

دکتر محمد خوانساری

گروه آموزشی فلسفه

یادی

از محضر استاد

درس روان‌شناسی و آموزش و پرورش مادر دانشسرای مقدماتی اصفهان با آقای بدرالدین کتابی بود.

این معلم دانشمند و وارسته خود دوره دانشسرای عالی را گذرانده بود و درس روان‌شناسی را با استادگرامی جناب آقای دکتر سیاسی دیده بود و در تدریس و ایفای وظیفه شوقی و حرارتی داشت.

چون هنوز کتاب آموزشی مناسبی برای دانشسرای مقدماتی به چاپ نرسیده بود، درس روان‌شناسی را به صورت جزوه به ما املاء می‌کرد و با توضیحات فراوان ما را با این علم نو آشنا می‌ساخت.

مدتی که از تحصیل ما گذشت و شوق ما را به تحصیل دید، توصیه فرمود که هر کس بخواهد این مطالب را مبسوطتر و دقیقتر ببیند کتاب «علم النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت» تألیف آقای دکتر علی‌اکبر سیاسی را که به نازگی از چاپ درآمده تهیه و مطالعه کند. درباره آن کتاب و مؤلف دانشمند آن چنان با شور و اخلاص سخن گفت که من آنرا بی‌درنگ تهیه کردم. هفته‌ها و ماهها آن کتاب مونس و همدم من بود. آنرا می‌خواندم، و باز می‌خواندم، و با شوق می‌خواندم و با هر نکته‌ای که از آن درمی‌یافتم حرص و ولعم بر خواندن افزوده می‌شد. یکی از نویسندگان فرانسوی می‌گوید: «من هر کتاب خوب

را دو مرتبه می‌خوانم. مرتبه اول آنرا به‌شتاب می‌یلم، و مرتبه دوم با تأنی مزه‌مزه می‌کنم، من نیز معمولاً چنین می‌کردم.

نمی‌توانم بگویم این کتاب را باچه شور و هیجانی می‌خواندم و چه وجد و شعفی داشتم. دنیای کاملاً تازه‌ای برویم گشوده می‌شد و با تعبیرات و اصطلاحات و مفاهیمی تازه آشنائی می‌یافتم. اکنون که سالها از آن دوران می‌گذرد، احیای خاطره‌اش چقدر لذت‌بخش است. چه توفیقی بود و چه حالی و چه سودائی! البته بسیار نکته‌ها هم بود که دریافتش برای من مبتدی آسان نبود. اندکی هم خجول بودم و شرم می‌آمد که وقت کلاس را با سؤالهای خارج از برنامه بگیرم. با خود می‌گفتم خوشبخت دانشجویانی که تمامی این کتاب را در نزد مؤلف کتاب می‌خوانند و از محضر پرفیض او مستقیماً بهره‌یاب می‌شوند. خوشبختانه پس از گرفتن دیپلم دانشسرای مقدماتی این توفیق نصیب من بنده هم شد. به تهران آمدم، در دانشسرای عالی ابتدا سال مخصوص ادبی را گذراندم و پس از آن مدت سه سال متوالی از کلاس درس دکتر سیاسی برخوردار شدم. سال اول با ایشان روان‌شناسی پرورشی داشتیم و این درس برای تمام دانشجویان دانشکده ادبیات و دانشکده علوم اجباری بود و بنابراین همه در یک کلاس جمع می‌شدند. کلاس درس تالاری بود بزرگ در ضلع شرقی عمارت که چند سال بعد بنام استاد بزرگوار مرحوم میرزا عبدالعظیم خان قریب، تالار قریب نامیده شد. این تالار از دانشجو پرمی‌شد و همه مدتی قبل از ورود استاد در تالار حاضر بودند و برای شروع درس دقیقه شماری می‌کردند. با اینکه حضور و غیابی هم در کار نبود. هنگام افاضة استاد همه سالن غرق در سکوت بود، و جز صدای استاد که چندان بلند هم نبود صدائی شنیده نمی‌شد.

احاطه استاد در موضوع، و طرح منطقی و بسیار منظم درس، با آن متانت و وقار مخصوص، و نگاه نافذ، همه را مسخر می‌ساخت و احترام و ستایش همه را برمی‌انگیخت.

برای اینکه درس با آزمایش و تجربه همراه باشد، هفته‌ای یک روز نیز بصورت دسته‌های بیست نفری به آزمایشگاه روان‌شناسی می‌رفتیم و زیر نظر استاد شریف ارجمند آقای دکتر مصطفی نجاحی به کارهای آزمایشی می‌پرداختیم. ایشان نیز با دقت و بصیرت و از روی کمال وجدان طرز بکار انداختن افزارهای دقیق آزمایشگاهی را به ما می‌آموختند.

باری در طی یک سال پیوسته تحصیلی، هفته‌ای دو جلسه روان‌شناسی نظری داشتیم و هفته‌ای یک جلسه روان‌شناسی عملی. بدین ترتیب نظرو عمل با هم توأم می‌شد و هر دو قسمت بسیار آموزنده بود و گیرا و دلکش.

در آن زمان‌ها سیستم واحدی و نیمسال‌ی در کار نبود و هر درسی درست یک سال تحصیلی تمام (نه‌ماه) ادامه می‌یافت و دانشجو بهره‌تمام می‌گرفت. فعلا با این سیستم واحدی که به قول یکی از استادان باید سیستم قطره چکان نامیده شود، تعداد درسها بسیار زیاد است ولی همه ناقص ناقص. استاد درسی را شروع می‌کند و همینکه اندکی از مقدمات و مبادی علم بحث کرد نیمسال تمام شده است. حدود یک‌ماه و نیم هم در وسط سال به سبب امتحان و نام نویسی و تعویض واحد عملا درسها تعطیل می‌شود.

اما در آن وقت و تا سالها بعد، تعداد درسها در یک سال کمتر بود و در عوض ساعتی که به هر یک اختصاص می‌یافت به مراتب بیشتر بود و مدت نه‌ماه هم ادامه داشت. علم و دانش هم امری است تدریجی. زمان می‌خواهد و ممارست پیایی، تا مطالب علمی خرد خرد در ذهن قوام بیابد و نضج بگیرد.

بهر حال در سال دوم و سوم نیز باز با آن استادگرامی درس داشتیم. اما این دفعه عده منحصر بود به دانشجویان فلسفه و علوم تربیتی، و کلاس در آزمایشگاه تشکیل می‌شد. همه گرداگرد میزی می‌نشستیم و از بیانات استاد بهره می‌گرفتیم و چون تعداد ما پانزده شانزده نفر بیشتر نبود، مجال بیشتری برای سؤال و جواب داشتیم، و استاد با گشاده روئی سؤالها را پاسخ می‌فرمود. یک ساعت

هم باز کارهای عملی و آزمونهای روانی داشتیم با استاد گرامی دکتر نجاحی. در این رشته استادان مبرز دیگر نیز داشتیم مانند آقایان دکتر عیسی صدیق استاد تاریخ آموزش و پرورش، و دکتر غلامحسین صدیقی استاد جامعه شناسی، و مرحوم شیخ محمدحسین فاضل تونی استاد منطق و حکمت اسلامی، و دکتر یحیی مهدوی استاد تاریخ فلسفه و شناخت روش و مکاتب فلسفی. نمی توانم توصیف کنم همگی تاچه حد در نزد ما محبوب بودند و محتشم و محترم، و چگونه ما در حضور آنان هم مجذوب بودیم و هم مرعوب.

بهترین خاطره من از ایام جوانی همین جلسه های درس است که با این استادان عزیز و استادان دیگر داشته ام و کتابهایی است که در آن دوران خوانده ام. یاد همه آن بزرگواران گرامی باد.

ما همانیم که بودیم و محبت باقی است

ترك صحبت نکند دل که به مهر آکنده است

پس از گرفتن لیسانس به استخدام وزارت فرهنگ در آمدم و در سیکل اول دبیرستان عظیمیه شهرری به تدریس پرداختم. بعد از چندی بدون اینکه هیچ گونه تقاضایی از طرف بنده بشود، جناب آقای دکتر سیاسی بنده را از فرهنگ به دانشگاه منتقل فرمودند و این درس سال ۱۳۲۶ بود. از آن تاریخ تا کنون بنده همواره این سعادت را داشته ام که با آن بزرگوار در تماس مستقیم باشم و از حمایت و عنایتشان برخوردار گردم. چندین سال هنگامی که تصدی آزمایشگاه روان شناسی با بنده بود، و قریب ده سال که مدیریت داخلی مجله دانشکده ادبیات را بر عهده داشتم، و اینک هم در دانشگاه تهران و در دانشگاه فرح پهلوی و نیز در انجمن فلسفه و علوم انسانی، و در انجمن روان شناسی.

در این مدت طولانی از محاسن و مکارم آن بزرگ چیزها دیده ام از فضایل انسانی، و شهامت اخلاقی، و پای بندی به اصول، و انجام وظیفه به نحو احسن، و نظم و ترتیب، و صبر و حوصله، و خدمت بی روی و ریا به دانشگاه تهران، که

به نوشتن در نمی آید، آن هم در این شماره مجله که بنایش بر اختصار است. در نهایت اجمال باید بگویم:

استاد دکتر سیاسی به استحقاق منصبها و مقامهای بسیار کسب کرد. سالها ریاست دانشگاه تهران را داشت (آن هم در بحرانی ترین احوال)، و سالها ریاست دانشکده ادبیات را، چندین مرتبه هم به وزارت رسید. و در هر مرتبه که بود کاردانی ودقت، و درستی و امانت خود را نشان داد. ثابت کرد که ظرفیت مقام دارد. در هیچ سمت خود را گم نکرد، و به هیچ کس به دیده تحقیر ننگریست. به حرف همه با کمال دقت و حوصله گوش می داد. غالباً تبسمی بر لب داشت. وقار و متانتش هرگز با کبر و عجب آمیخته نمی شد. از زمره کسانی نبود که خداوند درباره آنها فرموده است «کلان الانسان لیطغی - أن رآه استغنی». اصول اخلاقی را هرگز زیر پا نمی گذاشت. به دانشگاه و اعتلاء آن عشق می ورزید. برای استاد شأن و حرمت بسیار قائل بود. با آنکه خود از تیزیابی و حدت ذهن سرشار و نظر صائب برخوردار است، در مهمات دانشگاهی با استادان بی نظر و شریف مشورت می کرد و کمتر کار مهمی را بدون مشورت همکاران انجام می داد. آثار خیر و اقدامات ایشان از در و دیوار دانشگاه نمودار است.

او شخصیتی است بسیار بسیار متعادل و بهنجار، و از افراط و تفریط برکنار. هم اهل تفکر و تأمل است، هم اهل ذوق و ظرافت، هم اهل عمل و اقدام، و در هر يك از این زمینه ها به کمال. مانند مرحوم فروغی شخصیتی است چند بعدی. هم دارای بعد علمی است، هم دارای بعد سیاسی و اداری، هم دارای بعد اجتماعی، و از همه مهمتر دارای بعد اخلاقی و انسانی. این بعدها هر يك جداگانه قابل تحلیل است و در هر يك سر مشقهای نیک و پسندیده فراوان. فعلاً از همه آنها می گذرم و فقط از بعد علمی آن عزیز که جاذبه آن حتی پیش از آمدن به تهران مرا به سوی ایشان کشیده یادی می کنم:

استاد دکتر سیاسی با تأسیس کرسی روان‌شناسی در دانشسرای عالی دانشگاه تهران و تدریس روان‌شناسی، و ایجاد نخستین آزمایشگاه روان‌شناسی، و تألیف نخستین کتاب جامع و مفصل روان‌شناسی در سال ۱۳۱۷، در واقع بنیان‌گذار روان‌شناسی جدید در ایران هستند و همچنانکه ووندت در آلمان، و ریو در فرانسه، و ویلیام جیمس در آمریکا به اشاعه روان‌شناسی علمی پرداختند ایشان نیز در ایران این در را گشودند و تاکنون هزاران دانشجو از محضر درس و از خواندن کتابها و آثار ایشان با این علم آشنائی یافته‌اند.

آنچه یادآوری آن لازم می‌نماید اینست که دکتر سیاسی که سالها پیش در فرانسه در نزد استادان مسلم فن مانند هانری دولاکروا، و دکتر ژرژ دوما، و هانری پیرن، و فوکونه، و دکتر هانری والن روان‌شناسی تحصیل کرده، هرگز به معلومات کهن خویش اکتفا نوززیده و همواره با آخرین تحقیقات این علم در تماس بوده و علم خود را همواره تازه و نو نگاه داشته است. شاهد گویای این، همین کتاب اخیر ایشان است به نام «نظریه‌های مربوط به شخصیت» که در آن از مکتبهای بسیار جدید و زنده روان‌شناسی سخن رفته و منابع کتاب یکسره کتابهای انگلیسی بوده است. این کتاب کتابی است بسیار پرمایه و عمیق در ۳۷۲ صفحه (از انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۴)، و مطالب آن همه تازه و نو و دست اول. و در آن از نظریات بزرگان فن بحث می‌شود از قبیل فروید، ماری، یونگ، آدلر، هورنای، مورنو، اریک فرام، مورفی، آلبرت سالیون، راجرز، گلدشتاین، ماسلو و دیگران.

این کتاب و کتابهای دیگر ایشان در سالهای اخیر همه حاکی است که استاد با داشتن مشاغل حساس هرگز رابطه خود را با کتاب و تحقیق قطع نکرده‌اند و پیوسته در جریان آخرین تحقیقات روان‌شناسی بوده‌اند.

جناب دکتر سیاسی در زمینه تألیف نیز مؤلفی است کاملاً موفق و دارای آثار متعدد به فارسی و فرانسه که همه عمیق است و داشتنی و خواندنی و بیشتر

آنها را من بنده با اشتیاق فراوان خوانده‌ام و بهره‌ها گرفته‌ام. اکنون که به آنها باز می‌نگرم خاطرات ایام تحصیل و شبهای مطالعه را در آنها می‌یابم و بی‌اختیار به یاد ایام خوش گذشته می‌افتم. مخصوصاً کتاب جامع «روان‌شناسی از لحاظ تربیت» که در محضر ایشان خوانده‌ام و چند دوره هم آنرا درس داده‌ام عجیب‌برایم خاطره‌انگیز است و تجدیدکننده تصویرهای دوران جوانی. گاهی که آنرا در قفسه کتاب می‌بینم یا آنرا می‌گشایم مثل اینست که دوستی دیرین را دیده باشم. بی‌اختیار به آن می‌گویم:

عزیز دارم ای یادگار عهد شباب

که خوشترین اثری در زمانه بی‌تردید

چه خاطرات خوش آری کنون به خاطر من

کنی نشاطم از آن خاطرات خوش تجدید

آنچه مخصوصاً در آثار استاد ما اعجاب خواننده را برمی‌انگیزد سادگی و روانی عبارت است. نثری است به روانی آب زلال، بی‌پیرایه، بی‌نکلف، خالی از هرگونه تعقید و ابهام.

مؤلف دانشمند پیچیده‌ترین مطلب را با ساده‌ترین عبارت بیان می‌کند بدون اینکه هرگز سادگی عبارت موجب سستی تعبیر شود. عبارت از لحاظ دستوری درست است، از لحاظ فن بلاغت زیبا و گیرا، و در عین حال بسیار گویا و رسا، مانند جاده‌ای هموار و صاف. و معلوم است که بیان نکته‌های دقیق علمی در چنین قالب ساده‌زیبا جز به موهبت الهی و تمرین و ممارست متمادی و تسلط در زبان مادری میسر نمی‌شود. نه‌گرایشی در آن به فارسی سره نویسی دست، نه به استعمال الفاظ مغلق و کم استعمال. و همچنانکه حرکات و سکنتات ایشان در کلاس درس و در محافل و مجامع و در لباس پوشیدن و نشست و برخاست بسیار طبیعی و ساده و راحت است، در شیوه نگارش نیز چنین است. نه عبارت پردازی دارد نه فضل فروشی. با وجود تسلط و تبحر در

دو زبان فرانسه و انگلیسی از بکاربردن لغات بیگانه در سخن و در نگارش احتراز دارند و کمتر دیده‌ام لغتی خارجی بکار ببرند. واقعاً هم زبان فارسی با وسعت و غنای خارق‌العاده و قدرت شگفت‌انگیزش در ترکیب، نیازی برای استعمال الفاظ خارجی باقی نمی‌گذارد.

بهر حال سخن از ساده‌نویسی استاد بود. این هنر ساده‌گوئی و صراحت و وضوح در گفتار مخصوصاً در آثار پر عمق ایشان از قبیل «علم النفس ابن سینا» و «تطبیق آن با روان‌شناسی جدید» و کتاب «هوش و خرد» و «شخصیت» و «نظریه‌های مربوط به شخصیت» بخوبی مشهود است و بهترین نمونه کلام سهل و ممتنع را ارائه می‌دهد و آنرا به سرحد خرق عادت می‌رساند.

حکایت اینهمه گفتیم و همچنان باقی است

هنوز باز نکرديم دوری از طومار!!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی